

یادداشتی از ترانه یلدا

نشانه‌ها را فراموش نکنیم

از روز سقوط برج متروپل تنها یک ماه و ۲۰ روز می‌گذرد اما دیگر حرفش نیست. اول همه با هیجان غوغا کردند، ولی حتی شنیدیم که گزارش دقیقی برای تعیین علل همه‌جانبه وقوع فاجعه متروپل از سوی نهادهای مسئول در دست تهیه باشد. در جامعه‌ای که روزبه‌روز زندگی می‌کند، هشدار و زنگ خطر بی‌نتیجه می‌ماند. اما این اتفاق برای بسیاری شهروندان و نیز جامعه حرفه‌ای ما آن قدر سنگین و ناامیدکننده بود که چاره‌ای نداریم جز یادآوری و پیش‌نهادن راه چاره!

همین صفحه

سرمقاله

مزا حمت سعودی یا مضایقت سعودی



سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

در شماره یکشنبه ۲۶ تیرماه روزنامه «شرق» از قول نخست‌وزیر عراق آمده بود که طرح اتصال شبکه برق عراق با عربستان امضا شده است و عنوان به کار گرفته‌شده روزنامه در این زمینه «مزا حمت سعودی» بود. البته در توضیح مطلب معلوم بود که موضوع، تولید و انتقال برق حاصل از دریافت نور خورشید است و اینکه بازار برق ایران از سوی سعودی تصرف شده است و البته این تصرف تنها به برق خلاصه نمی‌شود و نفوذ عربستان سعودی در ابعاد مختلف در عراق تحقق خواهد یافت. البته کشوری که خود کمبود برق دارد و در تابستان برق کارخانه‌ها را به نفع خانه‌ها و مغازه‌ها قطع می‌کند، طبعاً نمی‌تواند صادرات داشته باشد. سیاست‌های واپس‌گرایانه کشورمان در زمینه تولید و انتقال برق نمونه‌ای است که در همه شئون زندگی‌مان در حال رخ‌دادن است و حاصل عدم تعقل و دوراندیشی و سیاست‌های چندانگانه است. برق تنها یکی از این سیاست‌هاست که مروری بر آن می‌تواند نشان‌دهنده روند سیاست‌گذاری در کشور باشد و البته این نوع تصمیمات کم نیستند؛ مثل آنکه مربی تیم ملی فوتبال را که صلاحیت خود را عملاً اثبات کرده است، به دلیل عدم صلاحیت معلق می‌کنند و به فاصله چند روز او را ابقا می‌کنند. هرچند شجاعت مسئولان امر در تصحیح عمل غلط شایسته تمجید است.

۱- بی‌توجهی به اسراف در مصرف برق. حتی شیب تصاعدی قیمت برق در کشور به طریقی طراحی شده که پرمصرف‌ها و اسراف‌کننده‌ها هیچ احساس برانگیختگی برای صرفه‌جویی ندارند. این درست که برای ضعفا و مستضعفان قیمت برق حتی تا حد مجانی بودن ممکن است، اما به چه دلیل آنان که مسرف هستند، هزینه آن را نپردازند. این سیاست که موجب بدهی‌های وزارت نیرو شده، موجب عدم بهسازی و توسعه شبکه برق شده است.

۲- سیاست وزارت نیرو درخصوص خرید برق از تولیدکنندگان خصوصی شکست خورده است؛ زیرا هم وزارت نیرو نرخ‌های قبلی را کم کرده و هم پول تولیدکنندگان را نمی‌دهد؛ بنابراین سرمایه‌گذاران در برق کاملاً پشیمان هستند و سرمایه‌گذاری جدیدی صورت نمی‌گیرد.

۳- امر بهسازی و افزایش راندمان نیروگاه‌های فسیلی موجود نیز با مشکل سلیقه‌ای روبرو شده است؛ ازجمله نیروگاه ۵۰ساله منظر قائم کرج که با راندمان ۳۰ درصد و مصرف ۲۰۰ مترمکعب در واحد زمان کار می‌کند، نسبت به انتهای قرارداد با یک شرکت خارجی برای نوسازی در حد راندمان ۶۰ درصد و مصرف آب دو درصد برای به صورت BOT اقدام کرد که با مخالفت آقای چیت‌چیان وزیر اسبق نیرو مواجه شد.

۴- علاوه بر آنکه به تصدیق تلویحی سفیر روسیه نیروگاه اتمی بوشهر به دلیل بدهی صدها میلیون دلاری به روسیه در حد ظرفیت سالانه کار نمی‌کند (مصاحبه «شرق» با سفیر روسیه) قرارداد با روسیه برای احداث دو نیروگاه اتمی دیگر هریک به ظرفیت هزار مگاوات هرکدام به مبلغ پنج میلیارد دلار بسته شده است. با پنج میلیارد دلار می‌توان به جای صد مگاوات برق اتمی، شش هزار مگاوات برق خورشیدی تولید کرد. تازه شرط احداث نیروگاه از سوی روسیه آن است که سوخت آن را خودشان بدهند و البته سال‌هاست که احداث این دو نیروگاه پیشرفتی نداشته است.

ملاحظه می‌شود که با سیاست‌گذاری‌های بسیار ناقص و ضعیف فوق، دلیلی ندارد که بتوانیم برق صادر کنیم. روشن است که کمبود برق داریم و برای رفاه مردم برق کارخانه‌ها را قطع می‌کنیم و این نشان می‌دهد که مزاحمت سعودی ظرفیت نامربوط است و آنچه واقعیت دارد، بگذاردن به جای صد ظرفیت تولید برق به صورت دائمی و فزاینده است. البته تنها پدیده برق نیست که «مضایقت سعودی» دارد. به دلیل سیاست‌های غلط سال‌های گذشته در بسیاری از زمینه‌ها که همچنان ادامه دارد و گویا اصلاً گوشه‌ی برای شنیدن و دستی برای اقدام وجود ندارد. ثروت‌ها و دارایی‌ها و توانایی‌های‌مان دچار ضیق و کاهش دائمی شده و نسبت به آن بی‌تفاوتی وجود دارد. این تک‌دیگدگی تنها در ثروت طبیعی دیده نمی‌شود، مهاجرت مهندسان، پزشکان، پرستاران و به‌تازگی شرکت‌های دانش‌بنیان وجهی اضطراب‌انگیز از کاهش نیروی انسانی توانمند کشورمان را نشان می‌دهد. بگذریم که اصلاً چیزی مثل کمبود آب و خشک‌سالی و نشست دشت‌ها و شهرهای کشور کاملاً فراموش شده و ظاهراً مسئولان با کاستن‌شدن و امید به مرگ آن را به نسل دیگر واگذار کرده‌اند و اگر چنین نبود، برای مسائل اصلی کشور برنامه‌ریزی و تلاش جهادی کرده و تخصیص اعتبار لازم را به هر نحوی صورت می‌دادند و نه آنکه همه چیز را از دریچه سیاست نگاه کنند؛ سیاست‌هایی که همواره به صورت مکرر با شکست روبرو شده است و مغرری برای آنها نیست.

ادامه در صفحه ۹



پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۱ • ۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۲۱ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۱ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



معاون وزیرصنعت، معدن وتجارت ایران به «شرق» خبرداد

آغاز مبادله دیجیتال با روسیه و چین

تجارت ایران، روسیه و چین با رمزارزها کلید می‌خورد؛ این خبر را علیرضا بیمان‌پاک، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت به «شرق» می‌دهد و تأکید می‌کند که در دو سال گذشته چیزی حدود پنج میلیارد دلار از تجارت ایران به شیوه تهاتر انجام شده است.

صفحه ۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: احیای ارزش‌های دنیای کودکی، سنوات؛ مزد شیرین یک عمر زحمت، ایران – لهستان؛ بعد از کری خوانی، بفرمایید مسابقه! و یادداشت‌هایی از مهدی افشار، فرشاد اسماعیلی

خاندوزی به روحانی پاسخ داد؛ خزانه دوازدهم پول داشت اما به کار واردات کالا نمی‌آمد

بود اما نبود!

♦ **خاندوزی؛ وضعیت ذخایر اسکناس ارزی ما در سال گذشته وضعیت خوبی بود**

♦ **صولت مرتضوی؛ هیچ تفاوتی بین شهروندان وجود ندارد**

گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید



کیسینجر از پرونده هسته‌ای ایران، رقابت آمریکا و چین و حمله به اوکراین می‌گوید

۳ سناریوی جنگ اوکراین

۵

یادداشت روزنامه‌نگاران



روزگاری سوسیالیسم چینی برای محافل روشنفکری جهان فریخته بود، اما در دو دهه اخیر هنگامی که باورهای کمونیستی و رفتار سرمایه‌داری در هم تنید، این انکار چینی شکست و فروریخت. داستان چین، سخن‌گفتن از پشتیبانی فرودستان بود که در فرجام کار به شکل‌گیری سازوکاری سیاسی انجامید که اکنون امنیت جهانی را تهدید می‌کند. این اقدام نمی‌تواند برکنار از سیاست‌های افزون‌طلبانه چین باشد؛ زیرا ایران در مسیر طرح بلندپروازانه چین موسوم به کمربند و جاده قرار دارد، کمربندی که در مسیر خود زیربناهایی می‌سازد که هدف آن چیرگی بنیادین چین در گستره بزرگی از شرق تا غرب است. این طرح چینی با منافع ملی کشورهای مسیر کمربند از جمله ایران سازگاری ندارد. چین طرح کمربند شرقی-غربی و سایر برنامه‌های خود را در سایه غفلت جهانی به پیش می‌برد. در چند سال اخیر در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب چین، استیلابی دیپلماسی تردید کار را برای برنامه‌ریزان چینی آسان کرده است. آمریکا و متحدانش باور دارند که تدابیر و اقدامات چین یک مانع اساسی فراراه برقراری ثبات و امنیت جهانی است؛ اما دراین‌میان یک اراده سیاسی قوی برای بازدارندگی تدابیر و کنش‌های چین وجود ندارد. بازدارندگی تنها به مفهوم رویارویی نظامی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک و بالابردن توان اقتصادی و دفاعی است. چین آرام‌آرام سیاست خرنده نفوذ خود را پیش می‌برد. مواضع اقتصادی و نظامی چین در حوزه پاسیفیک یک رویارویی ژئوپلیتیک با ایالات متحده آمریکا است. آرایش نظامی آمریکا در اقیانوس آرام بر پایه تمرکز و به دور از پراکندگی است و این امر راهنمای خوبی برای هدف‌گذاری برنامه‌ریزان نظامی چین است. قرارداد امنیتی چین با جزایر سلیمان اجازه پهلوگیری ناوهای چینی در بنادر این کشور را می‌دهد. این توافق امنیت استرالیا را که در هزار و ۵۰۰ کیلومتری جزایر سلیمان قرار دارد، به چالش می‌کشد. در مجموع برنامه‌های اقتصادی-نظامی فراملی چین تنش‌های ژئوپلیتیک ژرفی به دنبال خواهد داشت. هرچند برنامه‌ریزان چینی نتوانند به هدف‌های خود دست یابند، اما پیشبرد برنامه‌های آنها بدون شک امنیت جهانی را با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد کرد. برنامه اقتصادی-نظامی چین که با هدف چیرگی بر کشورها اجرا می‌شود، یک تجربه نو در تاریخ سیاسی جهان است. کشوری که آمیزه‌ای از سرمایه‌داری و کمونیسم دواآتش است، برای به بند کشیدن کشورها کمنداندازی می‌کند. تارهای درهم‌تنیده چنین کمندی بافته‌شده در تارک خانه حزب کمونیست و دستاتی که این کمند را می‌کشد، سرمایه‌داران تازه به دوران رسیده چینی هستند. کنش‌های سیاسی ناکارا و چیرگی دیپلماسی تردید در سیاست‌های فراملی رقیبان اصلی چین، تنش‌های ژئوپلیتیک ناشی از توسعه سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه را بیشتر می‌کند. رویارویی با چین، هوشیاری و اجماع جهانی را طلب می‌کند. جنگ اوکراین و تنش در حاشیه اروپا فرصتی مناسب برای اجرای سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه چین است. دوری از دیپلماسی تردید و پایان‌دادن به جنگ اوکراین مجال بیشتری برای رویارویی با هدف‌های سلطه‌جویانه چین فراهم می‌کند.

گزارش «شرق» از متن و حاشیه نشست روندآستانه

تلاش مشترک برای ترسیم آینده سوریه

۲

ماشین‌ها چه می‌فهمند؟

تلاش برای فهم مرز میان یادگیری انسان و یادگیری ماشین در عصر پیشرفت شناختک هوش مصنوعی

۶

پیام خطرناکی که داستان ژاوی برای ایران دارد

ورزش ایران در یک ماه گذشته اسیر شوکی عجیب شده که هنوز هم نمی‌تواند با چندوچون آن کنار بیاید. اگرچه قبل از این موضوع جدید، مهاجرت و پناهندگی ورزشکاران ایرانی بود که به فضای ورزش ایران شوک و خوراک خبری به رسانه‌های دنیا می‌داد. اما به‌تازگی اقدام سیاسی آمریکا خبرساز شده است؛ تقریباً برای هیچ‌کدام از ورزشکاران ایرانی که قرار بوده به رقابت‌های ورل‌کیمپز در آمریکا سفر کنند، ویزا صادر نشد تا سفر آنها یکی پس از دیگری لغو شود. این موضوع ابتدا با رشنه کارانه در رسانه‌ها خریچید و خبر رسید که سفارت آمریکا به دلیل آنکه شهرام هروی، سرمربی تیم ملی کاراته، دوران سربازی‌اش را در سپاه سپری کرده، حتی حاضر به بررسی مدارک این مربی هم نشده است؛ اما اندکی بعد خبر رسید که نهایتاً شهرام هروی بلکه دیگر ملی‌پوشان کاراته ایران نیز موفق به اخذ ویزای آمریکا نشده‌اند. بعد از کاراته یکی پس از دیگری، ویزای ورزشکاران ایران برای حضور در آمریکا صادر نشد تا اینکه سرانجام این پرونده با ویزاندا‌دن به یکی از اعضای تیم ملی دوومیدانی ایران و عدم سفر این تیم به آمریکا بسته شد. بیش از این سابقه داشته که آمریکا به یک یا چند نفر از تیم‌های ورزشی ایران ویزا ندهد، ولی در این سطح نبوده است.

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

شهرزاد همتی: حالا ۴۸ ساعت پس از گذشتن از انتشار فیلمی دردناک از التماس‌های یک مادر روبه‌روی ون گشت ارشاد که می‌خواهد دختر مریمش را از ماشین گشت بیرون بیاورد، بیش از هزاران بار در صفحات مجازی آن را دیده‌ایم. درباره‌اش خوانده‌ایم، با تصویرش اشک ریخته‌ایم و درباره چالش جدی این روزها فکر کرده‌ایم؛ **چالش «ما و گشت ارشاد»**؛ با اینکه این چالش مال امروز و دیروز نیست اما فیلم منتشرشده در یکی، دو روز اخیر به قدری دردناک است که می‌تواند بیکته در برابر تمام فیلم‌های منتشرشده از خشونت‌ها و رفتارهای این چنین بایستد.

رنج بی‌پایان زنی که در صدايش گویاست، مردم مسخ‌شده و شاید ترسیده که حتی حاضر نیستند زن را از مهلکه کنار بکشند و از زخمی‌شدن احتمالی‌اش توسط ماشین جلویی‌کنند یا حتی با او هم‌صدا شوند و با آرامش از مأموران بخواهند که ماشین را متوقف کند. این کادر، همین کادر بالا قرار بود دوباره آن تصویر دردناک را عکس یک روزنامه امروز بکند؛ اما با اینکه روزنامه امروز ما روایتگر قصه تلخی است که در ظهر روز سه‌شنبه، ۲۸ تیر سال ۱۴۰۱ رخ داد، از ثبت دوباره آن عکس حذر می‌کند. نه برای اینکه ما به دیدن عکس‌های تلخ عادت نداریم، بلکه متأسفانه داریم، نه اینکه این اتفاق یک اتفاق تازه و انگشت‌شمار است بلکه متأسفانه نیست، نه اینکه ما به دیدن تلخی‌ها عادت نکرده‌ایم بلکه متأسفانه کرده‌ایم؛ اما امیدواریم عدم انتشار این تصویر دردناک یک تلنگر باشد برای آتهایی که بازیکران این عکس‌ها هستند. تلنگری باشد برای آتهایی که بی‌تفاوت به تلخی‌های اجتماعی ماشین‌شان را به حرکت درمی‌آورند و صدایی را نادیده می‌گیرند که ممکن است به این خاطر همبستگی اجتماعی و اعتماد آسیب بزرگی را متحمل شود و دیگر به دست نیاید. اعتمادی که به دست آوردن و ترمیمش سخت است. ما روایتگر یک رنجیم، رنجی که زنان در این سال‌ها به دلیل برخورد‌های هیجانی و غیرفرهنگی به دوش می‌کشند و ترکش‌هایش تمام جامعه ما را فرا می‌گیرد. این کادر خالی ترکش‌هایی است که به ما می‌خورد و رنجی است که روی دوش زنان ما سنگینی می‌کند، شما خودتان این تصویر را در دهنتان بازسازی کنید.

این گزارش را در صفحه ۱۰ بخوانید



بدون درنگ اعلام کردند که ریختن متروپل، یک حادثه نبوده و نیست، بلکه نتیجه محتوم فرایندی قانون‌گریز، غارتگر، غیرمنطقی و مجرمانه بوده است و اینکه تک‌تک عوامل و عناصر دخیل در این فرایند باید در دادگاهی علنی محکوم و مجازات بشوند که البته با بناهای نالیمن نمی‌شود؟». یکی از پاسخ‌های غم‌انگیز ولی مکرر، این بود که «کمیسرین‌های ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها» یکی از همان سرچشمه‌های مولد فساد و فاجعه هستند که زمانی برای مقابله با ساخت‌وسازهای غیرمجاز شهری بنا شدند و قرار بود در مقابل این‌گونه تخلفات و تغییر کاربری‌ها بایستند، اما خود با تغییر کاربری از محل مقابله به فساد، بعضاً به منبع تولید فساد و درآمد در شهرداری‌ها تبدیل شدند. شاید بتوان همراه بسیاری از شهروندان و متخصصان کشورمان تکرار کرد که متروپل یک‌شبه فروپزخت. حذف و مهاجرت تدریجی مهندسان خوب و جوان‌مان به خارج بر اثر سهمیه‌بندی‌ها و ناعدالتی‌ها، سقوط کیفیت آموزش عالی در دانشکده‌های بی‌نام‌ونشان و فاقد امکانات، آموزش و کار هم‌زمان مدیران دولتی و اِدرابرابرشدن ظرفیت دوره‌های ارشد و دکترا در دوره آقای احمدی‌نژاد باعث تغییر نکردن و کامل‌نشدن قانون نظام مهندسی بعد از یک‌ربع قرن، شیوع امضافروشی و شرکت‌های صوری، تکثیر ساخت‌وسازهای بی‌کیفیت و بزک‌کرده سنگی و رومی بدون توجه به نیازها و الگوهای معماری محلی و… اینها هم باعث اختلال شد. به‌علاوه، سکوت جامعه مهندسی در برابر همه ناملایمات و رفتن مهندسان خوب به حاشیه و در پستوها نیز از عوامل خرابی‌ها بودند. اکنون که از علت‌ها و دردها گفتیم، به نیمی از درمان‌ها تویحاً اشاره کردیم و این قصه ادامه دارد…

ترانه یلدا

معمار و شهرساز



از روز سقوط برج متروپل تنها یک ماه و ۲۰ روز می‌گذرد اما دیگر حرفش نیست. اول همه با هیجان غوغا کردند، ولی حتی نشنیدیم که گزارش دقیقی برای تعیین علل همه‌جانبه وقوع فاجعه متروپل از سوی نهادهای مسئول در دست تهیه باشد. در جامعه‌ای که روزبه‌روز زندگی می‌کند، هشدار و زنگ خطر بی‌نتیجه می‌ماند. اما این اتفاق برای بسیاری شهروندان و نیز جامعه حرفه‌ای ما آن قدر سنگین و ناامیدکننده بود که چاره‌ای نداریم جز یادآوری و پیش‌نهادن راه چاره؛ اما ناچاریم به آینده شهرهایمان فکر کنیم و از تکرار چنین فجایعی پیشگیری به عمل بیاوریم. یادداشت‌های هفتگی من این مهم را دنبال خواهند کرد.

متروپل که فروریخت همه ابتدا از سقوط و انحطاط اخلاق در شهرها نوشند. گفته شد آبادان که زمانی اولین متروپل نفتی خلیج فارس بود، بعد از جنگ با عراق هرگز روی خوش به خود ندید، اگرچه فاجعه سسینما رگس داغ هیوط را از قبل بر دلش گذاشته بود. سپس مسائل خطاهای سازندگان مطرح شد؛ چه به لحاظ فنی (اجرای دهانه‌های ۱۶متری بدون ستون، عوض شدن نقشه‌ها و ناظران ساختمان، بی‌جواب‌ماندن گزارش‌ها و شکایات ناظران و…) و چه به لحاظ پارتی‌بازی‌ها، بی‌توجهی به اختارها و … مهندسانی